

ضمیمه ی شماره دو:

اسناد کنگره چهارم بین الملل کمونیست

تزه‌های مربوط به جبهه واحد کارگری

ضمیمه تزه‌های مربوط به تاکتیک های کمینترن^۱

۱- جنبش بین المللی کارگری در حال حاضر از یک دوره ی ویژه ی انتقالی می گذرد. که برای بین الملل کمونیستی به طور کلی و برای بخش های جداگانه ی آن مسائل تاکتیکی مهم و جدیدی را مطرح می سازد. این دوره می توان اساساً با خصوصیات زیر مشخص کرد:

بحران جهانی اقتصاد وخیم تر می شود. بیکاری افزایش می یابد؛ در تقریباً تمام کشورها، سرمایه ی بین المللی حمله ی نظام یافته ای را علیه طبقه کارگر به راه انداخته، که عمده ترین نشانه ی آن تلاش آشکار برای کاهش دستمزدها و پائین آوردن سطح عمومی زندگی کارگران است؛ ورشکستگی

^۱ - این تزه‌ها نخست قبل از کنگره ی چهارم کمینترن توسط هیأت اجرائیه بین الملل و تحت عنوان "در باره ی وحدت جبهه ی پرولتری" منتشر شدند. ترجمه فارسی این تزه‌ها قبلاً در (کندوکاو، دوره ی اول، شماره ۵) منتشر شده است. اما، آن ترجمه که بر اساس متن فرانسوی صورت گرفته بود، نواقص بسیاری داشت. ترجمه فعلی از روی متن انگلیسی و از کتاب اسناد کمینترن (اینک لینک، لندن ۱۹۸۰) صص ۴۰۹ - ۴۰۰، صورت گرفته است.

پیمان صلح ورسای روز به روز برای اکثریت عظیم کارگران واضح تر می شود.

واضح است که اگر پرولتاریای بین المللی نتواند نظام بورژوائی را سرنگون کند، وقوع یک یا حتی چند جنگ امپریالیستی اجتناب ناپذیر خواهد بود. کنفرانس واشنگتن^۲ به صراحت این مطلب را نشان داده است.

۲- احیاء نوعی از توهّمات رفرمیستی که به خاطر برخی شرایط در میان بخش های گسترده ای از کارگران به راه افتاده بود، اکنون تحت فشار حقایق جای خود را به روحیه ی کاملاً متفاوتی می دهد. توهّمات دمکراتیک و رفرمیست که بعد از اتمام کشتار امپریالیستی در میان برخی از کارگران (از یک طرف میان کارگران مرفه تر و از طرف دیگر در میان کارگران از لحاظ سیاسی کم تجربه تر) دوباره ظهور کرده بودند. میوه‌های به بار نیاوردند و در حال برطرف شدنند. مسیر بعدی و نتایج "کار" کنفرانس واشنگتن هر چه بیشتر به این توهّمات پایان خواهند داد. اگر شش ماه پیش، ممکن بود که با برخی قید و شرط ها از یک حرکت عمومی به راست در میان توده های کارگران اروپا و آمریکا سخن گفته شود، امروزه می توان با اطمینان گفت که حرکتی معکوس به چپ آغاز شده است.

۳- از طرف دیگر، تحت تأثیر تهاجم فزاینده ی سرمایه داری روحیه جدیدی در میان کارگران شکل گرفته است: تمایل خود به خودی در جهت

^۲ - کنفرانس واشنگتن در سال ۱۹۲۱ به ابتکار دولت آمریکا برگزار شد. هدف آن بحث در باره ی خاور دور بود. ژاپن موافقت کرد که سواحل شرقی چین (کیاوشو) را ترک کند. استقلال چین به رسمیت شناخته شد. تصاحبات آمریکا، بریتانیا، فرانسه و ژاپن در حوزه ی اقیانوس آرام متقابلاً تثبیت شد. و حجم مجاز نیروهای دریائی کشورهای فوق در منطقه براساس توافقات این کنفرانس تعیین شد.

وحدت که عملاً غیرقابل مهار کردن است و به موازات افزایش تدریجی اعتماد توده های وسیع کارگران نسبت به کمونیست ها صورت گرفته است.

امروزه محافل هر چه بیشتری از کارگران شهامت پیشتاز کمونیستی را در مبارزه برای دفاع از منافع طبقه کارگر در زمانی که هنوز اکثریت عظیم کارگران در بی تفاوتی به سر می برد و حتی نسبت به کمونیزم خصومت داشت، تقدیر می کنند. تعداد دائماً فزاینده ای از کارگران امروزه متقاعد می شوند که این فقط کمونیست ها بودند که در سخت ترین شرایط و گاهی به بهانه فداکاری های بزرگ از منافع اقتصادی و سیاسی آنان دفاع کردند. وبه همین دلیل، دوباره احترام و اعتماد نسبت به پیشگام سازش ناپذیر کمونیستی طبقه کارگر افزایش می یابد. اکنون، حتی اقشار عقب افتاده تر کارگران به بیهودگی توهامات رفرمیستی، پی برده اند و متقاعد شده اند که بدون مبارزه راه فراری در مقابل تهاجم گانگسترهای سرمایه دار وجود ندارد.

۴- احزاب کمونیست می توانند و می باید که امروزه ثمره ی مبارزاتی را که در گذشته و در شرایط کاملاً نامساعدی تفاوتی توده ای انجام دادند، به دست آورند اما، همراه با رشد دائمی اعتماد توده های کارگری به عناصر سازش ناپذیر و مبارزه، به عناصر کمونیست طبقه کارگر، روحیه بی سابقه ای نیز برای اتحاد آنان را تسخیر کرده است. اقشار جدید از لحاظ سیاسی کم تجربه ی کارگران که تازه پا به صحنه فعالیت می گذارند. به وحدت تمام احزاب کارگری و حتی تمام سازمان های کارگری دل بسته اند. آن ها امیدوارند که بدین طریق بتوان مقاومت در برابر تهاجم سرمایه داری را تقویت کرد. این لایه ها که اغلب قبلاً در مبارزات سیاسی نقش فعالی نداشته اند، امروزه را جدیدی برای امتحان کردن برنامه های عملی رفرمیزم

را در پرتو تجربه ی خویش پیدا می کنند. همانند اینان، بخش های قابل ملاحظه ای از کارگران متعلق به احزاب قدیمی سوسیال-دمکراتیک حتی امروزه نیز حاضر به صحنه گذاردن بر حملات سوسیال-دمکرات ها و سانتریست ها علیه پیشگام کمونیستی نیستند. آن ها حتی شروع به درخواست توافق با کمونیست ها کرده اند، هر چند که در عین حال هنوز از اعتقاد خود به رفرمیزم دست نکشیده اند و تعداد زیادی از آن ها هنوز از احزاب بین الملل دوم و آمستردام حمایت می کنند. آن ها هنوز مطالبات و برنامه های خود را آن چنان دقیق فرموله نکرده اند، اما به طور کلی روحیه جدید در میان این توده ها به تمایل به ایجاد جبهه ی واحد و وادار ساختن احزاب و اتحادیه های بین الملل های دوم و آمستردام به جنگیدن در کنار کمونیست ها علیه حملات سرمایه داری خلاصه می شود. و تا این اندازه، این روحیه مترقی است. مهم ترین نکته این است که ایمان شان به رفرمیزم متزلزل شده است. در اوضاع کنونی جنبش کارگری، هر عمل توده ای جدی، حتی اگر با شعارهای جزئی آغاز شود، به طور اجتناب ناپذیر مسائل اساسی و عمومی انقلاب را مطرح خواهد کرد. پیشگام کمونیستی فقط هنگامی می تواند این لایه های جدید کارگران را به خود جلب کند که آن ها به واسطه ی تجربه خویش متقاعد شده باشند که رفرمیزم توهمی بیش نیست و سازش خطرناک است.

۵- هنگامی که اعتراضات آگاهانه و سازمان یافته علیه خیانت پیشگی رهبران بین الملل دوم هنوز مراحل اولیه خود را طی می کرد، کنترل تمام دستگاه سازمان های کارگری در دست این رهبران بود. آنان با سواستفاده ظالمانه از اصل وحدت و انضباط کارگری اعتراضات انقلابی پرولتاریا را در نطفه خفه کردند تا بتوانند تمام قدرت سازمان های کارگری را در خدمت

امپریالیزم ملی قرار دهند. در چنین شرایطی، جناح انقلابی ناچار بود که به هر قیمتی که شده آزادی تهییج و تبلیغ، یعنی آزادی تشریح این خیانت تاریخی بی سابقه را به دست آورد و به پرولتاریا نشان دهد که احزاب و اتحادیه هائی که خود ایجاد کرده اند مرتکب چنین خیاناتی شده اند و می شوند.

۶- امروزه احزاب کمونیست که آزادی کامل سازمانی برای گسترش نفوذ ایدئولوژیک خود در میان توده های کارگری را به نقد تضمین کرده اند، می کوشند تا در هر فرصتی وحدت هر چه گسترده تر و کامل تر این توده ها را در فعالیت های عملی تحقق بخشند. قهرمانان بین الملل دوم و آمستردام در حرف در باره ی وحدت موعظه می کنند، اما عمل شان نفی آن است. اکنون که سازشکاران رفرمیست آمستردام در اقدامات سازمانی خود برای سرکوب صدای اعتراض، انتقاد و و آمال انقلابی ناکام مانده اند، تلاش می کنند تا از طریق ایجاد انشعاب و اغتشاشات و خرابکاری های سازمان یافته درون مبارزات توده های کارگری راه فرار از بن بست، خود را پیدا کند. یکی از مهم ترین وظایف احزاب کمونیست همانا افشای علنی این اشکال جدید خیانت های کهنه است.

۷- اما، دیپلمات ها و رهبران بین الملل های دوم و دوونیم اخیراً به واسطه تحولات عمیق درونی ناشی از موقعیت عمومی اقتصادی طبقه کارگر در اروپا و آمریکا خود ناچار شده اند که مسأله وحدت را مطرح کنند. هر چند برای بخش های بی تجربه کارگران که از لحاظ سیاسی تازه شروع به آگاه شدن کرده اند، شعار جبهه ی واحد بیان راستین تمایل واقعی آنان به گردهمائی نیروهای ستمدیدگان علیه حملات سرمایه داری است، برای رهبران و دیپلمات های بین الملل های دوم، و دوونیم و آمستردام طرح شعار وحدت

معرف تلاش جدیدی برای تحمیق کارگران و راه جدیدی برای کشیدن آنان به مسیر سازش طبقاتی است. خطر قریب الوقوع یک جنگ جدید امپریالیستی، رشد تسلیحات نظامی و قراردادهای جدید مخفیانه امپریالیستی همگی نه تنها رهبران بین الملل دوم، دوونیم و آمستردام را بر آن نخواهند داشت که زنگ خطر را به صدا در آورند و وحدت بین المللی طبقه کارگر را نه در حرف که در عمل ممکن سازند. بلکه برعکس در درون این سازمان ها همان اصطکاک و انشعاباتی را که خود در اردوگاه بورژوازی بین المللی مشاهده می شود، ایجاد خواهند کرد. این جریان اجتناب ناپذیر است زیرا که سنگ بنای رفرمیسم همانا همبستگی "سوسیالیست رفرمیست" ها با بورژوازی کشور "خودشان" است.

این ها هستند آن شرایط عمومی که بین الملل کمونیستی به طور کلی و بخش های جداگانه ی آن به هنگام فرموله کردن برخورد خود نسبت به شعار جبهه ی واحد سوسیالیستی در مد نظر داشته باشند.

۸- کمیته ی اجرائی بین الملل کمونیستی بر اساس ارزیابی خود از اوضاع بر این اعتقاد است که شعار سومین کنگره ی سوم جهانی، "به سوی توده ها"، و نیز منافع عمومی جنبش کمونیستی، ایجاب می کند که احزاب کمونیست و و بین الملل کمونیستی به طور کلی از شعار جبهه ی واحد کارگران پشتیبانی کنند و ابتکار عمل در رابطه با آن را در ست بگیرند. البته، تاکتیک های خاص هر یک از احزاب کمونیست باید بر اساس شرایط و اوضاع هر کشور خاص مشخص شود.

۹- در آلمان، حزب کمونیست در آخرین کنفرانس سراسری خود از شعار جبهه واحد کارگران حمایت کرد و امکان پشتیبانی خود را از یک "حکومت

متحد کارگری " که به مبارزه ی حدی علیه قدرت سرمایه داری تمایل نشان دهد، اعلام داشت. کمیته اجرایی بین الملل کمونیستی این تصمیم را کاملاً تأیید می کند و اطمینان دارد که حزب کمونیست آلمان خواهد توانست همراه با حفظ کامل موضع سیاسی مستقل خود به همه ی بخش های طبقه کارگر دسترسی یابد و نفوذ کمونیستی در میان توده ها را گسترش دهد. بیش از هر جای دیگری در آلمان توده های وسیع هر چه بیشتر متقاعد خواهند شد که پیشگام کمونیستی هنگامی که در سخت ترین شرایط زمین گذاردن سلاح خود را نپذیرفت، توخالی بودن وعده های رفرمیست ها برای حل بحران را پیگیرانه افشاء کرد و توضیح داد که تنها راه حل بحران همانا انقلاب پرولتاری است، مطلقاً حق داشت. با پیروزی از این تاکتیک حزب می تواند همه ی عناصر آنارشویست و سندیکالیست را که فعلاً از مبارزات توده ای کنار گرفته اند، به دور خود گرد آورد.

۱۰- در فرانسه اکثریت کارگرانی که از لحاظ سیاسی سازمان یافته اند از حزب کمونیست حمایت می کنند. بنابر این، مسأله جبهه ی واحد در فرانسه با سایر کشورها متفاوت است. اما در آن جا هم مهم است که تمام مسنولیت هرگونه انشعابی در اردوی متحد کارگران به دوش مخالفین ما بیفتد. جناح انقلابی سندیکالیست های فرانسوی در مبارزه خود علیه انشعاب در اتحادیه های کارگری و تلاش برای حفظ وحدت طبقه کارگر در مبارزات اقتصادی علیه بورژوازی کاملاً محق است. اما مبارزه کارگران در حوزه صنعت محدود نمی شود. در پرتو موج فزاینده ی ارتجاع، سیاست های امپریالیستی و غیره نیز اهمیت اساسی وحدت برجسته می شود. سیاست رفرمیست ها و سانتریست ها، که به انشعاب در حزب منجر شد، اکنون حتی

وحدت جنبش اتحادیه های کارگری را تهدید می کند. و این دلیل عینی دیگری است که همکاری ژونوولانگه^۳ با بورژوازی را اثبات می کند. شعار اتحاد پرولتاری در مبارزات اقتصادی و سیاسی علیه بورژوازی بهترین وسیله برای عقیم ساختن این نقشه های انشعاب گرانه است.

اگر چه کنفدراسیون رفرمیست کارگران به رهبری ژونو، مرایم و شرکاء^۴ به منافع طبقه کارگر فرانسه خیانت خواهد کرد، کمونیست ها و عناصر انقلابی طبقه کارگر فرانسه باید قبل از هر اعتصاب توده ای، تظاهرات انقلابی و یا هرگونه عمل توده ای، خودانگیخته از رفرمیست ها بخواهند که از ابتکار توده ها حمایت کنند، و هنگامی که از شرکت در مبارزات انقلابی کارگران خودداری می کنند، آن ها را سرسختانه افشاء سازند. این، بهترین راه جلب توده های کارگری است که خارج از حزب قرار دارند. البته استفاده از این روش نباید به هیچ وجه استقلال حزب کمونیست را مورد مصالحه قرار دهد. مثلاً، از طریق حمایت حتی به شکل محدود از "بلوک چپ" در انتخابات^۵ و یا

^۳ - لئون ژونو (۱۹۵۴-۱۸۷۹) LEON JOUHAUX از سال ۱۹۰۹ به بعد دبیرکل کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه () بود. در دوران جنگ جهانی اول موضع دفاع از جنگ را اتخاذ کرد و برای بسیج کارگران فرانسوی در خدمت تلاش های نظامی دولت فرانسه کوشید. او با انقلاب روسیه مخالفت کرد، و جزو نمایندگان فرانسه در جامعه ملل بود. او بعدها از کنفدراسیون کارگران انشعاب کرد و فدراسیون جدیدی از اتحادیه های کارگری را ایجاد کرد: FORCE OUVRIERE

ژان لانکه (۱۹۳۸-۱۸۷۶) JEAN LONGNET وکیل دادگستری و سوسیالیست که در دوران جنگ هر چند که موضعی صلح طلبانه داشت به اعتبارات جنگی رأی می داد. او سردبیر نشریه LE POPULAIRE بود که به حزب سوسیالیست تعلق داشت. پس از کنگره ی ۱۹۲۰ حزب سوسیالیست، هنگامی که اکثریت به دست کمونیست ها افتاد، او و طرفدارانش انشعاب کردند و به بین الملل دوونیم پیوستند. چندی بعد او به بین الملل دوم بازگشت.

^۴ - آلفونس مرایم (۱۹۲۵-۱۸۷۱) ALPHONSE MERRHEIM رهبر اتحادیه کارگران فلزکار فرانسه بود. نخست طرفدار پیوستن حزب سوسیالیست فرانسه به بین الملل کمونیستی بود، اما به دنبال تشکیل حزب کمونیست فرانسه با آن مخالفت کرد.

^۵ - "بلوک چپ" در فرانسه بر اساس ائتلاف سوسیالیست ها و رادیکال ها تشکیل شد و در انتخابات مه ۱۹۲۴ پیروز شد و تا ژوئیه ۱۹۲۶ حکومت را در دست داشت.

نرمش در باره "کمونیست" های مردم که هنوز از انشعاب با سوسیال-شونیست ها ابراز تأسف می کنند.

۱۱- در بریتانیا، حزب رفرمیست کارگر از پیوستن حزب کمونیست بر اساس شرایط مشابهی که سایر سازمان های کارگری از آن برخوردارند، جلوگیری کرده است. اما تحت تأثیر روحیه فزاینده کارگران برای وحدت، سازمان های کارگری لندن اخیراً به قطعنامه ای رأی دادند. که از پیوستن حزب کمونیست بریتانیا به حزب کارگر حمایت می کند.

البته، بریتانیا از این لحاظ یک استثناء است. شرایط ویژه ی آن جا باعث شده است که حزب کارگر بریتانیا به یک نوع سازمان عمومی کارگران کل کشور تبدیل شود. کمونیست های بریتانیا باید فعالیت گسترده ای را برای راه یافتن به درون حزب کارگر آغاز کنند. خیانت های اخیر رهبران اتحادیه های کارگری در اعتصاب معدن چیان، فشار روزافزون سرمایه داری برای کاهش دستمزدها و غیره، نارضایتی عمیقی را در توده ی پرولتاریای بریتانیا برانگیخته و این طبقه هر چه بیشتر انقلابی می شود. کمونیست ها باید تحت شعار جبهه ی واحد انقلابی علیه سرمایه داران حداکثر تلاش خود را مبذول دارند تا به هر قیمتی که شده نفوذ خود را در صفوف ساده کارگر گسترش دهند.

۱۲- در ایتالیا، حزب جوان کمونیست شدیداً با حزب رفرمیست سوسیالیست ایتالیا و خانین کنفدراسیون کارگری که همین چندی پیش منافع انقلاب پرولتری را فروختند، مبارزه می کند. اما، با این وجود، فعالیت تهیجی خود را حول شعار جبهه واحد رزمنده ی پرولتری علیه تهاجم سرمایه داری آغاز کرده است. هیأت اجراییه بین الملل کمونیستی اعتقاد دارد که این فعالیت

کاملاً به جاست و فقط تأکید می کند که در همین جهت تقویت شود. هیأت اجراییه اطمینان دارد که حزب کمونیست ایتالیا با افشای بی رحمانه ی خیانت و تزلزل رفرمیست ها و سنتریست ها (که تحت پوشش کمونیستی مخفی شده اند) در هر قدم، و در آن واحد، با مبارزه خستگی ناپذیر برای وحدت جبهه ی کارگری علیه بورژوازی که باید دائماً گسترش یابد و بخش های هر چه وسیع تر از توده ها را دربر می گیرد، نمونه ای از مارکسیزم رزمنده را به کل بین الملل ارائه خواهد داد. در این رابطه حزب باید طبعاً حداکثر تلاش خود را برای تضمین شرکت عناصر سندیکالیست انقلابی در مبارزات مشترک به کار بگیرد.

۱۳- در چکسلواکی، که حزب کمونیست از پشتیبانی بخش مهمی از کارگران سازمان یافته در تشکیلات سیاسی برخوردار شده، وظایف کمونیست ها در برخی از جوانب مشابه کمونیست های فرانسه است. حزب کمونیست چکسلواکی در عین حالی که آخرین باقیمانده های سانتریزم را تصفیه می کند و استقلال خود را استحکام می بخشد، باید بتواند شعار جبهه ی واحد کارگری علیه بورژوازی را در سراسر کشور ترویج دهد و رهبران سوسیال-دمکراسی و سنتریست ها را به مثابه نمایندگان سرمایه داری در میان عقب افتاده ترین کارگران برای همیشه افشاء سازد. حزب کمونیست باید در آن واحد تلاش های خود را برای جلب اتحادیه های کارگری که کماکان در دست رهبران خائن هستند، افزایش دهد.

۱۴- در سوئد، انتخابات اخیر پارلمانی موقعیتی را ایجاد کرده است که به جناح کوچک نمایندگان کمونیست اجازه خواهد داد که نقش عمده ای ایفاء کند. آقای برانتینگ، یکی از رهبران مهم بین الملل دوم و در عین حال نخست وزیر

بورژوازی سوئد، در موقعیتی قرار گرفته است که به خاطر تضمین اکثریت پارلمانی نمی تواند نسبت به اقدامات فراکسیون کمونیستی در پارلمان بی تفاوت بماند. هیأت اجرایی بین الملل کمونیستی معتقد است که فراکسیون کمونیستی در پارلمان سوئد نمی تواند تحت برخی از شرایط از وزارت منشویک برانتنینگ حمایت کند. همان طوری که کمونیست های آلمان در برخی از ایالات آلمان از حکومت های محلی حمایت کردند (مثلاً، در تورینگیا). اما، این نباید به هیچ وجه به معنای محدود کردن استقلال کمونیست های سوئدی و یا خودداری از افشای خصلت منشویکی حکومت باشد. برعکس، هر چه منشویک ها قدرت بیشتری داشته باشند، بیشتر به طبقه کارگر خیانت خواهند کرد و تلاش های کمونیست ها برای افشای آن ها در میان وسیع ترین بخش های طبقه کارگر باید هر چه بیشتر افزایش یابد. حزب کمونیست باید هم چنین کارگران سندیکالیست را در مبارزات مشترک درگیر سازد.

۱۵- در آمریکا، وحدت تمام عناصر چپ در جنبش اتحادیه های کارگری و جنبش سیاسی آغاز شده است و چنان چه کمونیست ها بتوانند در این جریان وحدت چپ نقش مرکزی ایفاء کنند، فرصت خواهند یافت که موقعیت خود را در میان وسیع ترین توده های پرولتاریای آمریکا مستحکم سازند. کمونیست های آمریکایی باید در هر جایی که حتی تعداد اندکی کمونیست وجود دارد، به تشکیل گروه های کمونیستی دست بزنند و باید بتوانند در رأس این جنبش برای وحدت تمام نیروهای انقلابی قرار گیرند. آن ها باید به ویژه امروز شعار جبهه ی واحد کارگری را مثلاً برای دفاع از بیکاران و غیره مطرح کنند.

اتهام عمده علیه اتحادیه های کارگری گامپرز^۶ باید این باشد که آن ها به شرکت در ایجاد یک جبهه ی واحد کارگری علیه سرمایه داران و در دفاع از بیکاران و غیره تمایلی نشان نمی دهد. اما، وظیفه ی عمده حزب کمونیست کماکان عبارت است از جلب بهترین عناصر سندیکای "کارگران صنعتی جهان"^۷.

۱۶- در سوئیس، حزب ما پس از دنبال کردن مسیر پیشنهادی موفقیت هائی کسب کرده است. به خاطر تهییج کمونیست ها برای یک جبهه ی واحد انقلابی، بوروکراسی اتحادیه های کارگری مجبور به فراخواندن یک کنگره ی ویژه ی اتحادیه های کارگری شده است. در این کنگره که قرار است به زودی تشکیل شود، رفقای ما قادر خواهند بود که فریب کاری رفرمیزم را در مقابل همه ی کارگران سوئیس افشاء کنند و همبستگی انقلابی پرولتاریا را افزایش دهند.

۱۷- در یک برخی از دیگر کشورهای مسأله جبهه ی واحد بر اساس شرایط گوناگون محلی به اشکال متفاوتی مطرح خواهد شد، هدیت اجراییه بین الملل کمونیستی اطمینان دارد که با روشن شدن خط مشی عمومی، احزاب

^۶- ساموئل کامپرز (۱۹۲۴-۱۸۵۰) SAURUEL GOMPERS رهبر محافظه کار فدراسیون کارگری آمریکا بود. او معتقد بود که حتی بین الملل رفرمیست امستردام بیش از اندازه "سرخ" است! او یکی از بنیادگذاران اتحادیه های کارگری در محدوده شرکت های سرمایه داری بود: "اتحادیه های شرکتی"

^۷- اتحادیه "کارگران صنعتی جهان" در آمریکا (IWW) در سال ۱۹۰۵ توسط بهترین عناصر چپ آمریکا تشکیل شد از رهبران آن می توان از دبز DEBS، دو لئون DE LEON و "مادر" جونز JONES، نام برد. این اتحادیه مبارزات سرسختانه ای را در دوران قبل از جنگ سازمان داد. مواضع آن به سندیکالیزم انقلابی نزدیک بود. پس از جنگ عملاً از هم پاشید و برخی از مبارزین آن به کمونیزم جلب شدند. مثلاً، ویلیام فاستر WILLIAM .Z. FOSTER و جیمز کانون JAMES .Z. CANON از بنیادگذاران حزب کمونیست آمریکا از این اتحادیه آمدند.

کمونیست خواهند توانست بر اساس شرایط ویژه ی حاکم در کشور خود آن را به نحو درست به کار گیرند.

۱۸- هیأت اجرائیه بین الملل کمونیستی معتقد است که شرط عمده و اجباری و یکسان برای همه ی احزاب کمونیست عبارت است از حفظ استقلال مطلق همه ی احزاب کمونیست در هرگونه توافقی با احزاب بین الملل دوم و دوونیم و حفظ آزادی کامل برای تبلیغ نظرات خود و طرح انتقادات خود از کسانی که با کمونیست ها مخالفت می ورزند. احزاب کمونیست در عین حالی که ضرورت انضباط در عمل را می پذیرند، باید حق و فرصت عنوان کردن نظرات خود را در باره ی سیاست های تمام سازمان های طبقه کارگری، بدون استثناء، چه در حین اقدامات مشترک و چه پس از آن محفوظ دارند. تحت هیچ گونه موقعیتی رها کردن این شرط مجاز نیست. کمونیست ها در عین حالی که از شعار وحدت حداکثر تمام سازمان های کارگری در هر گونه اقدام عملی علیه جبهه ی سرمایه داری پشتیبانی می کنند، تحت هیچ شرایطی نمی توانند از طرح عقاید خود که تنها بیان پیگیر منافع کل طبقه ی کارگر، خودداری کنند.

۱۹- هیأت اجرائیه بین الملل کمونیستی معتقد است که یادآوری تجارب بلشویک های روسیه -تنها حزبی که تا کنون در شکست دادن بورژوازی و تسخیر قدرت توفیق یافته- به همه ی احزاب هم نظر مفید خواهد بود. در تمام پانزده سالی که از تولد بلشویزم تا پیروزی آن بر بورژوازی به طول انجامید (۱۹۱۷-۱۹۰۳)، بلشویک ها از مبارزه خستگی ناپذیر علیه رفرمیزم و یا به عبارت دیگر منشویزم دست برنداشتند. با این وجود، در این وجود، در این پانزده سال بلشویک ها در بسیاری موارد با منشویک ها به توافقاتی رسیدند.

انشعاب رسمی با منشویک‌ها در بهار سال ۱۹۰۵ به وقوع پیوست. اما در اواخر همان سال، تحت تأثیر گسترش عظیم جنبش کارگری، بلشویک‌ها به طور موقت با منشویک‌ها یک جبهه مشترک ایجاد کردند. دومین انشعاب رسمی با منشویک‌ها عاقبت در ژانویه ۱۹۱۲ رخ داد. اما بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲، جدائی مانع وحدت‌ها و سبب وحدت‌های سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۶، و یا ۱۹۱۰ نشد. این‌گونه توافقات نه صرفاً به خاطر نوسانات در مبارزات جناحی، بلکه به دلیل فشار مستقیم بخش‌های وسیع کارگران ضرورت می‌یافت. توده‌های کارگر فعالیت سیاسی را آغاز می‌کردند و خواهان این بودند که خود فرصت داشت باشند تا براساس تجربه ی خود دوری بنیادی منشویزم از مسیر انقلابی را آزمایش کنند. قبل از آغاز برخاست جدید انقلابی پس از اعتصابات لنا^۸، و نه چندان قبل از آغاز جنگ امپریالیستی، توده‌های کارگر روسیه به ویژه مشتاق وحدت بودند و رهبران سیاستمدار منشویزم روسی تلاش می‌کردند تا از این روحیه ب‌نفع اهداف خود سواستفاده کنند. همان‌طور که امروزه رهبران بین‌الملل‌های دو، دوونیم و آمستردام چنین می‌کنند. بلشویک‌های روسیه اما در پاسخ به تمایل کارگران برای وحدت از شرکت در هرگونه جبهه ی واحد خودداری نکردند. برعکس، برای خنثی ساختن بازی دیپلماتیک رهبران منشویک، بلشویک‌ها شعار "وحدت از پائین"، یعنی وحدت خود توده‌های کارگری در مبارزات عملی و برای خواست‌های انقلابی کارگران علیه سرمایه‌داران را پیش کشیدند. حوادث بعدی اثبات کرد که این تنها واکنش صحیح بود. نتیجه ی این

^۸- لنا نام یکی از رودخانه‌های سیبری است. اعتصابات کارگری اوائل سال ۱۹۱۲ در منطقه لنا منجر به جنبش عظیمی از همبستگی در اول ماه مه ۱۹۱۲ شد که در واقع آغاز مجدد جنبش انقلابی در روسیه را نشانه زد.

تاکتیک که بر اساس موقعیت های زمانی و محلی اصلاح می شد، این بود که بسیاری از بهترین کارگران منشویک به تدریج به کمونیزم جلب شدند.

۲۰- از آن جا که بین الملل کمونیستی شعار جبهه ی واحد کارگران را مطرح می کند و توافقات میان بخش های بین الملل کمونیستی و احزاب و اتحادیه های بین الملل های دو و دوونیم را مجاز می شمارد، طبعاً نمی تواند توافقات مشابه در سطح بین المللی را رد کند. مثلاً، هیأت اجراییه بین الملل کمونیستی به بین الملل آمستردام پیشنهاد داد که در رابطه با مسأله کمک به رفع قحطی در روسیه وحدت عمل داشته باشند. پیشنهادات مشابهی نیز برای اقدام علیه تروریزم روس های سفید و مسأله خفقان ضدکارگری در اسپانیا و یوگسلاوی ارائه داده است. هیأت اجراییه بین الملل کمونیستی در حال حاضر مشغول مذاکرات با بین الملل کمونیستی در حال حاضر مشغول مذاکره با بین الملل دو و دوونیم و آمستردام بر سر مسأله اقدام مشترک علیه کارهای اولیه کنفرانس واشنگتن است که نشان می دهد کشتار جدید امپریالیستی طبقه کارگر جهان را تهدید می کند. رهبران بین الملل دو و دوونیم و آمستردام بر اساس رفتار خود تا کنون نشان داده اند که هنگامی که مسأله فعالیت های عملی مطرح می شود، آن ها عملاً شعارهای خود برای وحدت را فراموش می کنند. در تمام موقعیت های این چنانی، وظیفه ی بین الملل کمونیستی به طور کلی و همه ی بخش های آن به طور جداگانه این است که دورویی این رهبران را در وسیع ترین محافل کارگری افشاء کنند. این ها وحدت خود را با بورژوازی به وحدت با کارگران انقلابی ترجیح می دهند و با باقی ماندن در مثلاً، "سازمان بین المللی کارگری جامعه ملل" و با سهیم شدن در کنفرانس امپریالیستی واشنگتن به جای سازماندهی مبارزه علیه آن ماهیت واقعی خود

را آشکار می سازند. اما، رد شدن پیشنهادهای عملی بین المللی کمونیستی از جانب رهبران بین الملل دو، دوونیم و آمستردام باعث این نخواهد شد که ما این تاکتیک را که ریشه های عمیق در میان توده ها دارد و باید به طور شیوه دار و دائمی بسط داده شود، کنار بگذاریم. هر بار که مخالفین ما پیشنهاد برای مبارزه ی مشترک را رد می کنند، توده ها باید مطلع شوند و بدانند که مخربین جبهه واحد کارگری چه کسانی هستند. و هر بار که آن ها پیشنهاد ما را می پذیرند، باید به تدریج مبارزه مبارزه را تشدید کنیم و به سطح عالی تری ارتقاء دهیم. در هر حالت مسأله اساسی این است که توجه توده های وسیع را به مذاکرات میان کمونیست ها و سایر سازمان ها جلب کنیم و آن ها را نسبت به نوسانات در تلاش برای ایجاد جبهه واحد انقلابی کارگران علاقمند سازیم.

۲۱- هیأت اجراییه بین الملل کمونیستی در ضمن طرح نقشه فوق، توجه تمام احزاب هم نظر را به خطراتی که تحت برخی شرایط می توانند پدیدار شوند، جلب می کند. همه ی احزاب کمونیست به اندازه ی کافی رشد و استحکام نیافته اند و همه ی آن ها به برش نهانی با ایدئولوژی سانتریستی و شبه سانتریستی دست زده اند. احتمال این می رود که در برخی موارد در امر وحدت زیاده روی شود و تمایلاتی در جهت انحلال احزاب و گروه های کمونیست در بلوک های متحد بدون شکل و محتوا ایجاد گردد. برای آن که استفاده از این تاکتیک بتواند به اهداف کمونیزم کمک کند، احزاب مشخص کمونیست که آن را به کار می گیرند باید نیرومند، متحد و دارای یک رهبری با برنامه و عقاید روشن باشند.

۲۲- گروه بندی های که در درون خود بین الملل کمونیستی کم و بیش به درستی به عنوان جریانات راست و یا حتی شبه سانتریست تلقی می شوند، به وضوح متکی بر دو کرایش متفاوت اند. برخی از عناصر که واقعاً از روش ها و ایدئولوژی بین الملل دوم نبریده اند و خود را از توهومات در مورد قدرت قبلی سازمانی آن آزاد نساخته اند، به طور کلی آگاهانه یا ناآگاهانه هنوز تلاش دارند تا بین الملل دوم و در نتیجه جامعه ی بورژوازی به توافقات ایدئولوژیک برسند. عناصر دیگر که مخالف رادیکالیزم صوری و اشتباهات به اصطلاح "جناح چپ" بودند، نگران این اند که احزاب جدید التأسيس کمونیست نتوانند برای تقویت هر چه سریع تر نفوذ خود در میان صفوف ساده ی توده های کارگری در تاکتیک های خود هر چه بیشتر انعطاف پذیری و ظرافت نشان دهند. به نظر می رسد که رشد سریع احزاب کمونیست همواره این دو گرایش را به سوی یکدیگر و حتی به درون گروه بندی های واحد هل داده است. استفاده از روش پیشنهادی ما که برای ایجاد یک پایگاه قوی برای تهیج کمونیستی در فعالیت های توده ای متحد پرولتاریا ضرورت دارد، تنها روش مؤثر برای افشای گرایش های واقعاً رفرمیستی درون احزاب کمونیست است. با استفاده درست از این روش می توان استحکام درونی انقلابی احزاب کمونیست را هم از طریق آموزش مجدد عناصر سکتاریست ناشکیبای "جناح چپ" به واسطه ی تجربه عملی و هم از طریق تصفیه بازمانده های رفرمیزم تقویت کرد.

۲۳- جبهه ی واحد کارگری به معنای وحدت همه کارگرانی است که مایل به مبارزه علیه سرمایه داری هستند - منجمله آن کارگرانی که هنوز از آنارشیست ها و سندیکالیست ها پیروی می کنند. در کشورهای لاتین (و نیز

در برخی کشورهای دیگر) هنوز تعداد زیادی از این گونه کارگران وجود دارند و می‌توانند در مبارزات انقلابی سهمیم شوند. احزاب کمونیست از همان ابتدای پیدایش خود روابط دوستانه ای را با کارگرانی که به تدریج برتعضبات خود فائق می‌آیند و به طرف کمونیزم قدم بر می‌دارند، حفظ کرده اند. کمونیست‌ها باید امروزه که تشکیل جبهه ی واحد کارگری علیه سرمایه داری به یک واقعیت تبدیل می‌شود، هر چه بیشتر به این گونه کارگران توجه کنند.

۲۴- هیأت اجرائیه بین الملل کمونیستی برای تدقیق قطعی فعالیت های بالا در نظر دارد که در آینده نزدیک یک پلنوم گسترده ی هیأت اجرائیه را فرا بخواد و از دو برابر تعداد معمول نمایندگان احزاب مختلف برای شرکت در آن دعوت کند.

۲۵- هیأت اجرائیه بین الملل کمونیستی از نزدیک بر همه ی اقدامات عملی در این بخش از فعالیت ها نظارت خواهد کرد و از کلیه احزاب می‌خواهد که تمام تلاش های خود و موفقیت های کسب شده در این راه را با ذکر کامل جزئیات به اطلاع آن برسانند.

ترجمه: بهرام- فروغ

منبع: کندوکاو

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵